

MANCHESTER  
1824

The University of Manchester

---

[اناداپ, Apādānā (۱۷), Apadana (17)]

Source: *University of Manchester*

Stable URL: <https://www.jstor.org/stable/community.28163970>

---

Rights Notes: Rights Holder - Image: The University of Manchester Library

JSTOR is a not-for-profit service that helps scholars, researchers, and students discover, use, and build upon a wide range of content in a trusted digital archive. We use information technology and tools to increase productivity and facilitate new forms of scholarship. For more information about JSTOR, please contact support@jstor.org.

This item is being shared by an institution as part of a Community Collection.

For terms of use, please refer to our Terms & Conditions at <https://about.jstor.org/terms/#whats-in-jstor>



*University of Manchester* is collaborating with JSTOR to digitize, preserve and extend access to  
*University of Manchester*

JSTOR



# پیوند گسست ناپذیر و وحدت ملت ایران با کار شکنی های

## امپریالیسم روسیه و مداخلات ترومن پادوی سیاسی جر چیل هرگز از هم گسسته نخواهد شد

در جستجوی حقیقت «۷» نوشته تابناک

### ناسیونالیسم یا کمونیسم؟

ملت یهود از مدتی قبل در یک التهاب و تگرانی خاصی زندگی میکرد بدبختی ها و مصیبت های بی شمار آنها را بیاد میآورد و افتخارات گذشته انداخت و اگر چه آنها خود را قوم برگزیده میخواندند ولی چون تسلط آنها بر ملتهای جهان صورت واقفیت بخود نگرفت و به علاوه چیزی نگذشت که خود از همه طرف رانده شده و مردم با بدبختی تازه ای مواجه میشدند تاگزیر هوازه در انتظار بسر میردند و امید وار بودند که یک ناجی خدای آنها در آتیه نزدیکی نجات خواهد داد. یک چنین آرزو و افکاری که همیشه افکار یهود متوجه آن بود مرتباً باعث انقلاب و نهضت های شدیدی بر علیه دولت رم بود که پیوسته نیز این انقلابات و قیامهای عمومی در هم شکسته میشد. یعنی از آنها تیکه در انتظار مسیح بودند اورا چون بزرگترین نجات دهنده خود مینامیدند. عیسی سخنرانها و نصایح خود را از سال سی ام شروع نموده و افکار و عقاید خود را ضمن امثال و کنایه های شیرین بر مردم میگفت عیسی با همراهی دوازده شاگردش در جاهه ها حرکت میکرد و در کلیساها سخنرانی مینمود با فقیرترین مردم سخن میگفت و با افراد عامی غذا میخورد او مردی صلح طلب و آرام جو بود و هنگامیکه قوم یهود نابود شدند سربازان رومی را از او خواستار شدند او میگفت «خوشبخت مردمان صلح طلب و آرام» او بسیار کوشش مینمود که با افکار خود تمام آدمیان را بریزد بر چرخ مسیحیت در آورده و بدین ترتیب دنیای آرام و آسوده ایجاد نماید پس از او پیروانش در ترویج دین او بسیار کوشیدند ولی در این راه چه جنایات و خونریزی هائی بود که مرتکب شدند آنها سالیان دراز قدرت عظیمی بنام اوبدست آوردند در تمام قرون وسطی دست کلیسا بر مردم حکومت میکرد و احدی را جرئت آنکه سخنی بر خلاف منویات و شہوات آنان بگوید نبود و هنگامیکه در اواخر دوره قرون وسطی مردمان متفکر و دانشمندی که بکشف حقایق نایل میشدند ناچار بودند کوچکترین اظهاری در باره آن ننمایند و آنها را که بارای گفتن بود سرانجام شعله وسیعی از آتش را نصیبشان میکردند آن مسیحیتی که برای نجات بسر آمده بود و میخواست با افکار خدای مردمی آرام و صلح جو ایجاد نماید تبدیل به دستک فاسدی گردید که یک نفر بنام روحانی و مبلغ آن دستگاه برای درک ثواب و رسیدن به سعادت اخروی می نشست و نقشه کش می کرد که چگونه ممکن است کسی را نابود کرد که بیش از پیش رنج برد افرادی که هزاران جنایت می کردند با دادن مختصر و جوی بدستگاه باب گناهان خود را بدینوسیله شسته و روزه خلد برین را نیز برای خود ایشاع می فرمودند. این اوضاع که برای ملت های بیدار هرگز قابل تحمل نبود در دوره نهضت علمی و ادبی جدید اروپا منتهی بپارزادگان سرسختانه ای بر علیه قدرت باب گردید در دوره رنسانس پیشاپیش جنبش های علمی اندیشه های ناسیونالیستی در حرکت بقیه در صفحه ۲

### ورق پاره بسوی آینده بر گور مار کس جهود نو حه میسر آید پیشرفت بان ایرانیم دشمنان ملت را بتلاش میافکنند

ورق پاره بسوی آینده بلندگوی نوکران سفارت روس که پیدا شدن مدارک خانه سدان رسوائی آنرا دو چندان کرده از ضربتهای جنش رها بخش باز این ایتسم بزوزه افتاده و از اینک هذیانهای مارکس جهود را در دانشگاه تهران بدور افکنده اند خشمگین شده به خواستهای بزرگ ملت ایران میتازد ولی این نوکران هر جایی بیگانگان باید بدانند زندگی خیانتکاران بسر رسیده و ملت ایران دیگر فریب یاره سرانیهای آنها را نخواهد خورد و به پیروی از جنبش بزرگ بان ایرانیم بپندارهای کثیف مارکس جهود را بخاک همسپارد

### رای دیوان لاهه گند سازمان ملل متحد را هم در آورد - مارک را بر ادامه نفوذ سیاست بیگانه تر جیح میدهم

موضوعی که از هفته گذشته توجه جهانیان را به خود جلب نمود و مورد گفتگو و تفسیرات روز قرار گرفت و مخصوصاً روح ایرانیان وطن پرست و تمام ملل آزادمنش جهان را بسختی آزوده ساخت، رای ظالمانه ای بود که دیوان باصلاح خود دادگستری لاهه بر علیه حق حاکمیت و استقلال ایران داد. در دنیایی که تمام افراد بشری و ملل مختلف جهان برای آزادی و استقلال خود قیام نموده اند. در جهانی که حتی دول بزرگ و سلسله جنبانان استعمار و استثمار هم اگر برای حفظ ظاهر هم که باشه پیوسته دم از حق و عدالت و طرفداری از آزادی و استقلال سیاسی و اقتصادی کلیه ملل جهان میزنند مادر یک چنین زمان و جهانی دیوان دادگستری لاهه که بقیقه ما بناحق خود را مظهر حق و عدالت معرفی نمود - با اظهار وقیقه و موافقت با ادعای سرابا دروغ و شرم آور یک کشور امپریالیست و یغاسگر نشاندار، دوران کاپیتولاسیون و زمان رقیب و بندگی را از نو اسیاع نمود و بدبختانه نام این عمل جابرانه خود را نیز عدالت گذارد شاید در نزد این آقایان انانظا آنجا مفاهیم اساسی خود را از دست داده اند که برضد خود شامل میشوند و ظلم و ستم و

بار دیگر سیاست تجاوزکارانه امپریالیزم امریکا پیشروانه در امور ملت ایران مداخله پرداخته بار دیگر سیاست زورگویی و قلندری امپریالیست های جهان برای نابودی و خورد ساختن اراده ملل ضعیف محیط سازشکارانه ای برای خود یافته اند ، بار دیگر جنگیزها و تیمورهای قرن بیستم می خواهند از راه فریب ملت ها بنام کمونیسم ، سوسیالیسم و آزادی آخرین مایه زندگانی ملل کوچک را دستخوش آرزو سرس بی پایان خویش قرار دهند .  
مرک بر سه امپریالیسم خون آشام ، روس ، انگلیس و امریکا که در زیر نام های خوش ظاهر چون موریانه پیکر ملیت و موجودیت ملت ایران را می خورند، مرک بر سه استعمارگر زور گو و قلندر که زیر نام های حمایت و پشتیبانی از صلح و دموکراسی دست به جنایاتی می زنند که اگر جنگیزها و تیمورها سراز خاک برون آرند ملل جهان آنها را بنام فرشته های داد و عدالت پذیرائی و استقبال خواهند نمود .  
ما با آن که در جوار این دولت های تجاوزکار قرار گرفته ایم و فشار سیاست های جنایت کارانه آنها را چون کوهی عظیم بر سینه های خود احساس میکنیم با این همه در راه گرفتن حقوق حقه خویش کوچکترین هراسی بسدل راه نمیدهم و بیش از پیش در راه این مبارزه مقدس صفوف خود را متشکل تر و فشرده تر میکنیم تا یاری خدای ایران بر استعمارگران جهانی یا کمونیست ها و آزادیخواهان قرن بیستم ! فائق آئیم تا بتوانیم یک زندگانی شرافتمندانه یک زندگانی پر ارزشی که در خورد ملت بزرگ ایران باشد دور از فعالیت دست های ناپاک دشمنان داخلی و خارجی برای مردم این سرزمین بیا کنیم .  
ملت ایران ! تا کی صبر و انتظار ؟ تا کی بردباری و خونریزی ؟ به بر نشیندنیهای آسمانی و زمینی سوگند که این درنگ و تامل جز زوال و نابودی تو معصولی از خود بجای نمیکند ، باید هر چه زودتر این مارهای خوش رنگ و این دشمنان بی شرم داخلی نابود شوند به دشمنان داخلی اجازه مدهید که بیش از این با سر نوشت شما بازی کند و در حالی که شما باتمام قدرت مغز دشمنان خارجی را میکویید از پشت سر شما خنجر زنند به این بیگانه پرستان اجازه مدهید که به نام خانه صلح ، مرکز فعالیت عمال ستون پنجم روسیه را در قلب وطن ما ایجاد نموده و بر علیه آرمان های ملی و مقاصد ملت پرستانه هم میهنان ما به نبرد پردازند همانطوری که اداره انتشارات شرکت ، مرکز جاسوسی انگلستان درهم ریخته شد بقیه در صفحه ۴

### یک هفته در ایران و جهان

**در ایران ما**  
در آغاز هفته گذشته رای بی شرمانه دیوان دادگستری لاهه طوفانی از خشم و نفرت در سراسر کشور برپا کرد و مردم هشیار تهران و شهرستانها در میتینگهای باشکوه خود بار دیگر فریاد بامرک یا پیروزی رادر گوش رویاه فرتوت استعمار خوانده و نشان دادند که برای مثنی زر خرید که چشم فرمان ارباب دوخته اند چون ورق پاره ای می نگرند که سرگرمی کودکی بینوا باشد .  
بدنبال این رای فرمایشی ملت ایران یکصد ا خواستار بر کناره گیری از دیوان دادگستری لاهه را کرده و برخی تندتر رفت می گفتند از سازمان ملل متحد نیز باید کنار جست و نتک و ابستگی با سازمانهای دست نشاندہ بین المللی را از دامان ملت قهرمان ایران زدودولی خشم و نفرت ملت ایران هنگامی افزوده شد که ترومن سر دسته سودا گران امریکائی در پیام بی شرمانه خود سخن از ارزش دیوان دادگستری بقیه در صفحه ۴

**در جهان ملتها**  
در هفته گذشته کنگوی نمایندگان دولت کره شمالی و چین سرخ با فرستادگان امریکا و دولت کره جنوبی برای دادن فرمان آتش بس در شهر «کاسونک» سر آغاز گردید و در باسالار «جوی» سر نماینده امریکا چنین گفت :  
«موفقیت و یا شکست مذاکراتی که امروز در اینجا آغاز شده مستقیماً مربوط بحسن نیت نمایندگان حاضر می باشد ، با ابراز حسن نیت از هر دو طرف میتوان یک محیط اعتماد متقابل ایجاد نمود و در چنین محیط دلیل و مسوردی برای امید پیشرفت موجود میباشد ولی هنگامیکه در پایان سخن گفت :  
«علیای جنگی در تمام نقاط تساهصول توافق برای ترک مخاصمه ادامه خواهد داشت» بگوید «حسن نیت» او را برای پایان دادن بجنگ کره آشکار شد و هنگامیکه پیشنهادهای کش دار و چند بملوی کونیستها در باره چگونگی سازش بنمایندگان امریکاداده شد «حسن نیت» نمایندگان کونیست نیز آشکار بقیه در صفحه ۲

دومین نامه برادر بیدار دل افغانی بما  
ندای یگانگی از سر اسر  
فلات ایران بگوش میرسد  
نیونگهای انگلستان و رشک گشته و دولت پوشالی  
کراچی بجائی نفیر صد  
مردم افغان دست برادران ایرانی  
خود را میفشارند  
غلت بیدار میشدم دست این راهزنان  
دین و ناموس را از بیخ قطع میکردیم و  
نمیگذاشتیم کشور متحد و هم -  
آهنک ما ملعبه هوی و هوس  
وحشیان تازه بتمن رسیده شود  
اکون ماروز صغاری بهتر از این  
میداشتیم کشور واحدی تشکیل  
میدادیم که در عداد توانا ترین  
کشور های دنیای امروزی به  
شمار میرفت  
بقیه در صفحه ۴

از مدبرم احترام و هیئت تحریریه روزنامه  
مبارز آبادان کمال تشکر دارم که مقاله  
قبل بنده را در روزنامه حقیقت جوی خود  
درج نمودند و با انتشار آن حقایق رادر  
نزد برادران هم نژاد ایرانی ما آشکار  
ساختند  
جناب آقای مدیر جای بسی تاسف است  
که در این مدت دور و دراز دست استعمار -  
گران فرصت آنرا نداده که برادران ایرانی  
و افغانی یکدیگر را بشناسند و از دوری  
و جدایی خود درد دلها بنمایند اگر ما از  
همان بدو امر جیاول استعمار گران از خواب

اموالد اشپنکار  
ملت ترا کم اخبار در شماره آینده  
در صفحه ۴

This object has been digitised and made available by The University of Manchester Library.

For further information and details about terms of use, see the Library's website -

[www.manchester.ac.uk/library/copyright-and-licensing](http://www.manchester.ac.uk/library/copyright-and-licensing).

قابل توجه کاربران مجازی :

این سند توسط کتابخانه دانشگاه منچستر دیجیتال سازی و عرضه شده.

برای اطلاع بیشتر درباره شرایط استفاده از این منبع الکترونیک، لطفاً به لینک زیر مراجعه فرمایید:

<http://www.manchester.ac.uk/library/copyright-and-licensing>

بر اساس این مقررات، هر نو استفاده از این سند باید با ارجاع مناسبی به کتابخانه دانشگاه منچستر انجام بگیرد.

بیوند گسب ناپذیر وحدت ملت ایران

بقیه از صفحه ۱ این خانه صلح با مرکز خرابکاری و آشپانه جاسوسی روسیه نیز باید آتش زده شود و روزنامه نگاران مزدور باید بضرر مش و لگد نابود شوند.

روسیه استالین باروسیه تزارها نه تنها هیچ گونه فرقی ندارد بلکه به جرئت میتوان گفت که روسیه کنونی با ایجاد ستون پنجم در کشور های دیگر جهان به مراتب خطرناک تر و وحشی تر از روسیه تزارهاست ، این همان روسیه به اصطلاح شوروی است که صدها هزار زن و مرد بیگناه لهستانی را بجزم میهن - برستی در جنگل کاتین زنده بگور کرد؛ این همان روسیه بظاهر مدافع کارگران است که سبترین برده ها را بر روی ملت روسیه و ملل ذلیل زجر دیده شده دیگر کشیده است که چشمان آنها بسراغ آزادی نرود و با آن آشنا نشود.

مگر این همان روسیه ای نیست که حزب توده را در ایران ایجاد کرد امگر این همان روسیه ای نیست که پول های فراوان در راه ابقای این حزب در ایران خرج کرده است ؟ مگر حزب توده همان حزبی نبود که فریادهای زمامداران کاخ کرملین را چون بلندگو بگوش مردم ایران میرساند و از حمایت ملت رنج دیده ما صحبت ها میداشت ؟ چه شده که امروز اینسان بیوفایی آغاز کرد ؟ چه شده که این سگ کله دست دوستی با کرک داده؛ چه شده که امروز شریک دزد و رفیق قافله گشته ؟ چرا قاضی روسیه در دیوان لاهه از حقوق ملت ایران دفاع نکرد و چون دوقاضی مصری و لهستانی که در طول تاریخ ملت آنها بارها زیر ضربات کشته تجاوزکاران قرار گرفته و مزه تلخ زورگویی را چشیده اند این قاضی روسی بضع ایران را نداد و تمارش کرد؟

اگر بتاريخ توجه کنید می بینید روسیه همیشه روش قلدری و زورگویی را در جهان بویژه ایران بکار برده و از آن استفاده کرده است منتها امروز برای فریب ملت هاد زبر برده های استار قیام حقیقی خویش را پوشانده و در لباس دفاع از کله خدمت کرک میکند حمله بپسرمانه آنها به فنلاند و لهستان از خاطره ها فراموش نشده ، زنجیر محکمی که اکنون به گردن ملت های بشت برده آهنین آویخته گردیده و ایجاد حکومت های پلیسی و استالینی در این کشورها بخوبی نشان میدهد که امپریالیسم روس برای بلعیدن جهان در کام خود چگونه پنجه های آلوده بخون خویش را بطرف جهان ملت ها دراز میکند.

در برابر استعمار روسیه امپریالیست های آمریکا ایران را لقمه مناسبی یافته اند و برای ابتکار محیط ساز شکارانه ای بالردهای چپا و لکر لندن ایجاد نموده و در حالی که چرچیل چون خر مستی در مجلس عوام نمره بر میکشد و همکارانش برای او لگد میانداخته ترومن پادوی سیاسی چرچیل هم از آن طرف دنیا برای ملت ایران فرمان صادر میکند ما نمایانستیم که این پادوی لردهای لندن هم هم رئیس جمهور امریکاست و هم فعال مایشاء در امور ایران!

نامه ای که ترومن جهت نخست وزیر ایران فرستاده است جنبه پیام ندارد درست مانند فرمان تهدیدآمیزی است که از طرف مقامات بالاتر جهت اجرا صادر میشود باین مرد اسحق و کوته نظر ریگوتیدیش از این سیاست امریکارافدای منافع چند لرد سفله و خونخوار انگلیسی نباید قرارداد ؛ باین رئیس جمهور نو کرمنش باید گفت که او حق صدور فرمان و حق مداخله در امور ملت ایران را ندارد ، اگر این مرد سفله روزی از مسند ریاست جمهوری که بناتق بر آن تکیه زده است بزیر آید دست تقدیر او را در ایران جای دهد بدون شک برای شغل پادوی از طرف اغلب موسسات میتواند استخدام شود زیرا در این کار ملت ایران او را مردی ورزیده تشخیص داده است .

ایران در این بیکار مقدس از پای نخواهد نشست و تا آخرین نفس بسا امپریالیست های خون آشام به نبرد شرافتمندانه خود ادامه خواهد داد تا از این سیه روزی و بدبختی نجات یافته و جای خویش را در میان ملل زنده دنیا باز نماید پاینده ایران

ناسیو نالیسم یا کمونیسیم

بقیه از صفحه ۱ بود و با مراجعه بتاريخ ملاحظه خواهیم کرد که چگونه شمله های آتش انقلابی های ملی برای دهانیدن خود از قید قدرت پاپ لفظه به لفظه در میکرفت مسیحیت یکی از بزرگترین دین های جهانی بود که سرانجام با آن همه قدرت و نفوذ منوی و مادی در برابر خواسته های ملت ها برانو در آمد بالاخره ملت های جهان دانستند که آن ماسک « ترحم و شفقت » جز ظاهری فریبنده هیچگونه ارزش دیگری ندارد و در پناه همین قیافه « مظلومانه » است که بزرگترین جنایات صورت گرفته .

بیشتر ادیان با اینکه ابتدا با روش های جهانی پابیمان گذاردند ولی دیری نیکندشت که جلوه های ناسیونالیستی آنها بر سایر جهات پیش گرفته و تمام آداب و دستور های اخلاقی آنها در هر ملتی بصورت خاصی که ویژه آن ملت بود در می آید و چه بسا این تغییر را که ملتی در قواعد و اصول یک دین داده است فرسنگ ها با اصول ابتدائی بنیادگذار آن دین فاصله داشته است .

این مسئله بقدری سریع و روشن است که استدلال کردن در این باره مانند این است که بخوایم برای اثبات نورخورشید اقامه دلیل نمایم آری ، پرتو درخشان خورشید را چگونه ممکن است با منطلق های پوسیده ای اثبات نمود ؟ آنها که نمی توانند حقایق مسلم تاریخ را به بینند مانند شب کورهای هستند که بواسطه ضعف دیدگان خود از فروغ تابناک خورشید محروم اند اندیشه های ملی از اعماق دلها بر میخیزد و شعله های درخشان آن در سراسر تاریخ بنوع بارزی میدرخشد

رای دیوان لاهه

بقیه از صفحه ۱ در تحت نفوذ و تاثیر شدید امپریالیستها و سرمایه داران ساحل تایمز بر علیه حقانیت ملت ایران (با وجود اطمینان و یقین بعدم صلاحیت خود) صادر شده بهترین گواه بر صدق گفتار ما میباشد

این رای ماهیت واقعی دستگاه عدالت کستری سازمان ملل متفق را آشکار ساخت و بجهانپایان ثابت نمود که این آقایان تا چه حد پای بند قیور و قوانین اجتماعی می باشند . رای دیوان داور لاهه این حقیقت مکتوم که از پس برده تردید و ابهام بیرون آورد و بنام ملل جهان اعلام داشت که اینهمه تشریفات و جار و جنجالها جز ظیلهای توخالی نبوده و فقط هنگامی شدیداً بصدا در می آید و گوش جهانیان را بسختی متان میسازد که نفع سرمایه داری ستبر و یادوران غارت و بیماگری دولتی قوی و استعمارگر دستخوش اختلال و تزلزل شده باشد

شاید دیوان لاهه می خواست باین رای ظالمانه و خارج از صلاحیت خود جسده کثیف و پراژ مکر و فسون شیر قزوت رشم ریخته بریطانیا را غسل تمیید دهد دهنده شاید میخواست با این رای دور از عدالت خود بگوید که کشور امپراطوری مندرد صد سوسیالیست ، آزادخواه و دمکرات بریطانیای عظمی !!! از دست ستیکار نیست ، حیله گر و سفله و پست نیست ، استعمارگر و سفاک نیست ، دست وی بخون میلیونها افراد بشری آلوده نشده ، اقوام ملل مختلف در راه اغراض لید و حیوانی این گسک صفتان ، راه مرگ دزدان نیبوده اند بدبختیهای شرق و غرب و مخصوصاً آسیا در اثر تخریب و دخالت های نازوا و بیشرمانه جاسوسان جانی و کثیف او نیست

و بالاخره این بوزنیگان دریائی ایدا بیچوجه من الوجوه موجد فقر ، جهل ، مرض و انحطاط و هزاران مفاصد و بلاهای خانمان بر انداز و جامعه بر باد ده نموده نیستند و نخواهند بود

ولی ما هم میکوتیم این ادعاها مقدر صحیح و مقبول جامعه بشری است که رای عالیجنابان کاخ بیدا کر لاهه منطقی و عادلانه است . در حال برای اینکه بیکباره آپ با یکی بروی دست استعمارگران جنتمن !!! و پیروان دیو سیرت و یفا مگر او بر بزیم مختصر امی کوتیم که :

ایرانی در این قیام مقدس خود ثابت و استوار است و در این مبارزه حتی یک گام هم به عقب نخواهد نشست و چون بشرافت و استقلال خود شدیداً پای بند و مؤمن است مرگ شرافتمندانه در این مبارزه حیاتی را بر ننگ ادامه استعمار ترجیح می دهد و در راه احقاق حق خود از هیچ تحریک و تهدیدی نمیهراسد و با صدای بلند میگوید :

«ایران مقدس»

چاپخانه تجدید ایران

وقتی که ادیان یعنی مجموعه آن اصولی که از منبع وحی و الهام و خدا پرستی سرچشمه میگردد اینطور تسلیم ملیت می شود حساب دیگران بسیار ساده و روشن است چقدر من باید متاسف باشم که بواسطه عللی بیش از این نمی توانم در این باره سخن گویم ولی به آنها که طالب حقیقت اند بانهائیکه برده تاریکی تصب های غلط دید گاشان را از دیدن واقعیت ها محروم ساخته توصیه میکنم که بروند و صفحات تاریخ را مطالعه کنند تا ببینند چگونه ملت های جهان در برابر قوی ترین قدرتها ایستادند و شعائر ملی خود را حفظ کردند . تاریخ پرانتخار ایران بزرگ مانوسه برجسته و بارز این گفتار ماست چه حلات سختی بود که بر بیکران وارد نیامد ولی بالاخره آنچه باقی ماند آن ملیت ما بود . این رشته قوی یعنی ریسمان افکار ناسیونالیسم که از گذشته شروع میشود ممکن است روزی بار یک وضعی گردد ولی هرگز پاره نمیشود . اکنون بعث خود را در این باره کوتاه نموده و بسایر قسمت های سخن خود میپردازم . بعث آتیه ما در باره اجتماعها و حکومت های آتیه آلی و فلاسفه و دانشمندان خواهد بود .

در جهان ما

بقیه از صفحه ۱ از این گفتگو ها و پیشنهاد ها همچنان که پیش بینی کرده بودیم نقشه استعمار گران آمریکائی و روسی برای جدا داشتن ملت کره از هم و دنبال کردن چپاول آنها بخوبی نمایان میشود و زود باوران می فهمند غوغای « آتش بس » برای پایمان دادن بوخشیگری های بیگانهگان در کشور سیه روز کره نیست بلکه هدف سازش روس و آمریکا در بشاکری های خود می باشد

از سوی دیگر آتش چنگ در کره همچنان شعله ور است و سربازان امریکائی در جبهه مرکزی با ایستادگی سرسختانه سپاهیان چینی روبرو هستند و بیابان شهرهای شمالی کره همچنان دنبال میشود و از اینجا نیز معنی « آتش بس » نمایان می گردد . در گوشه دیگر جهان باز شدن بارلمان فرانسه در حالی که اکثریت آن بدست نمایندگان ناسیونالیسم بویژه هواداران دوکل میباشد نمونه ای از شکست بزرگ غول کمونیس را در اروپا نشان میدهد و اکنون سر نوشت دولت آتیه فرانسه بسته بان است که تا چه اندازه هواداران دوکل که از ناسیونالیست های تنه رو میباشد بتوانند بسا سوسیالیست ها و جمود پنهان کنار آتیه ولی در هر حال کونستیتا دیگر توانائی آنرا ندارند که با کارشکنی های خود سد راه ملت فرانسه قرار گیرند .

در این میان زمره پیدایش آلمانی توانا سرش جنبش ناسیونالیستی بزرگی را در قلب اروپا توند میدهد و دولت « بن » با آنکه دست او از خاور آلمان کوتاه است میکوشد که بعالت چنگ با انگلیس و آمریکا و فرانسه پایان دهد تا راه برای بیرون کردن اشغالگران فراهم شود

در هر حال اگر دولتهای باختری راستی میخواهند با کمونیس مبارزه کنند و اندیشه های استعماری روسیه را شکست دهند ناچارند که ملت آلمان را آزاد گذارند تا نقش تاریخی خود را انجام دهد .

در ایران ما

بقیه از صفحه ۱ یابزبان ساده پشتیبانی امریکا از ستم گریهای انگلستان بیان آورد و کوشید تا نخست وزیر ایران از پایان کار نیمه دله دست او رادر ریشه کن کردن بنیاد استعمار بلرزاند اما دولت دکتر مصدق باید بدانسد ملت ما باین نیرنگهای استعمار گران رسواگران رسوا میخندد و مشتای کره کرده خود را آماده پذیرائی کسانی که او را از پایان کار میترسانند کرده است و همکاری سوداگران و اشنگتن با سود پرستان لندن نیز او را از راهی که در پیش گرفته باز نخواهد داشت و اراده وی حتی با کمک کاخ نشینان بیداد گر کرملین به رو باه فر توت استعمار سست نخواهد شد

نبردی را که برای درهم ریختن شالوده استعمار آغاز کرده جز بمک یا پیروزی پایان نخواهد داد در این دادر هنگامیکه همه نیروهای ملت ایران برای مبارزه با استعمار فشرده شده هیئت حاکمه زخم خورده دست در دست حزب ورشکسته توده از پشت سر بر رمجویان ایرانی خنجر میزنند تا ارباب را از خود خشنود نگهدارند

چنانکه در هفته گذشته بازم مزدوران سفارت روس در خیابانها بره افتادند تنها عریبه جوئی آغاز کنند اما هنگامیکه دهان کثیف آنها برای زنده باد استالین کشیدن بازشد با مشت مردم سلحشور تهران بر خون گشت و عریبه جویشان جای خود را برزوه کشتی داد و در پی ایشان نیز چند از نمایندگان زور و زر از کاخ بهارستان برای ناتوان ساختن دولت دکتر مصدق داد سخن دادند و چند ورق باره زرخرد

ندای یگانگی

بقیه از صفحه ۱ دولتهای استعمارگر بیرحم برای تسلط و فرمانفرمایی خود گذشته از تجزیه و تفرقه مرتکب یکسلسله فجایع که تاریخ بشریت از ذکر آن واقعا در شکست میماند همین انقلاب چند سال پیشتر افغانستان را در نظر گرفته مطالعه و دقت کنید خواهید دید که در ظرف یکسال براتر برافروختن انقلاب داخلی توسط عمال و مزدوران خود تمام شهرهای افغانستان را زیر و رو شدند قریب پنجاه هزار نفر از اهالی آن سامان با خون در غلطیدند

تمام کاخ ها و بارک سلطنتی شهر جلال آباد در چند فرسخی شهر پشاور بمید پتل خاکستر شده اتانیه آن که از ذخائر فرهنگی محسوب میشد به بنما برده شد شهر کابل در زجرش زوب و تفنگ و مسلسل قرار داشت و از هر طرف محاصره شده بود خانه ای در کابل وجود نداشت که از ضربات گلوله در امان مانده باشد بلکه این یکی از وحشیگری های دول استعمار گر است که تا شروع چنگ اخیر در مورد سران وطن پرست و مجاهدین کشور های زنجیر شده بکار میبرد - مزحوم « اندره تاردو » نخست وزیر اسبق فرانسه در مقاله بمسوط در خارج به انقلاب افغانستان اشاره کرده بود که علت اصلی این انقلاب و بر افروختن این آتش خانمان سوز را باید در ارضیو بلنیکل اجنت پشاور جستجو کنید .

واقعا هم راست گفته بود مقاله این سیاستمدار بزرگ فرانسوی در غالب روزنامه های وقت از قبیل گرانکوارد و کاندید و ژوسوی پرتو و غیره بیجا رسیده بود کتب بغض پر دام هنگامیکه آتش برادر کشتی شعله ور شده بود بعضی از اهالی انگلستان که علنا رویه ضد نشان میدادند تصاویر بزرگ از لووتس را بر چوب های دراز نصب کرده در خیابان های لندن آتش میزدند و منسب حقیقی این فجایع دوست بریتانیا و شخص لووتس را میدادند . مقصود ما از ذکر این همه مطالب جگر خراش آنت است که خوب میفهمیم دول استعمارگر برای تثبیت منافع خود حتی از کشتار و قتل دستجمعی و انهدام ملت فرو گذار نمیکند در طول یک قرن و نیم همین زجر دیده ما فرصت آنرا بیدان کرد که بخود ببیند تیر کز قدرت و وحدت نماید

دوست استعمارگر وحدت این کشور را خلاف مصالح شوم خود میداند با تمام قوا میکوشید حتی در رویه ماسل تفرقه را رخنه دهد من با تمام شهامت اخلاقی که در خود سراغ دارم اعلان میکنم که اکنون وقت آن رسیده تا آن ریشه های پوسیده اثر بقایای اسکلت دولتهای استعمارگر را بسوزانیم و دست یگانگی بطرف یکدیگر دراز کنیم تا باشد که آن جلال و عظمت دیرینه را زنده کرده در زمره کشورهای مترقی قرار یابیم حالا از اینکه وحدت و برادری فراموش شده ما چگونه دو مرتبه بر قرار میگردد و چگونه و از چه راهی باید دست تجزیه طلبان و دشمنان خود را قطع نمود میبخت جدا گانه ای داد که مستلزم فرصت بیشتری می باشد ولی آنچه مسلم است علی رقم تمام کارشکنی های احتمالی ما راهی را که در پیش گرفته ایم بنوعی کامل بیابان میسرانیم در ابتدا علل تفرقه و براندگی خود

را بررسی میکنیم و برای هر یک از این دردها علاج قطعی نشان خواهیم داد در این باره گفتنی بسیار دارم . ارادتمند . . .

آبادانا : نامه بالا نمونه احساسات پاک یک برادر پیدار شده ما است که بعثت بدبختیها و در بدریهای پی رده و برای پی ریزی میهن بزرگ و آزاد پیا خاسته .

قلم ناسزا گوی خود را بسود کبیانی غارتگر نفت بکار انداختند ولی با همه کار شکنیها و اخلاک گرایی ملت ایران تا هنگامی که دکتر مصدق با استعمار انگلستان میجنگد ملت ایران آزاد پشتیبانی خواهد کرد